

عرضه داشت

بنده کمترین درکاه

اورکز

- (1) بعد از تعریف دعاکوی دوام دولت روزافرون بعزم عرض  
 (2) نواب نامدار عالیقدار میرساند که در سال کذشته از خانسار از خدمت نواب  
 متوجه الکاء موش شد (3) چون به الکاء رسید نشان همیون رسید که با تفاوت نواب  
 عالیحضرت معدلت شعار کردون اقتدار<sup>۱</sup> زین الدین<sup>۲</sup> علی بیک دیو (4) بطرف کرجستان  
 متوجه شود حسب الفرمان در روز<sup>۳</sup> یراق<sup>۴</sup> نموده متوجه شد چون به الکاء ارجیس فرمان  
 همیون رسید (5) که شش ماهه مال الکاء سنه متوجه درکاه عالمپناه شود حسب الفرمان  
 همیون به الکاء رفت که شش ماهه مال مستخلص نموده متوجه شود (6) چون به الکاء  
 رسید تمامی اکراد صورت طغیان بخاطر آورده و قلعه بدليس را محاصره نموده و الکاء  
 موش را بعضی خراب نموده بودند (7) چند کس را برسم نصیحت فرستاده خلعت از جهه  
 ایشان فرستاد که شاید که ترک مخالفت بغايند جماعیتی که رفته تمامی را بقتل در اوردند  
 (8) و ایلغار نموده متوجه این بنده شدند القصه محاربه واقع شد و ازین دولت نواب  
 همیون بسیاری از ایشان بقتل درآمدند (9) و محاربه و مقاتله بکرات و اقع شد بعد  
 ازان حضرت معدلت شعار<sup>۵</sup> زین الدین<sup>۶</sup> علی بیک دیو بدان صوب امد (10) و کس  
 فرستاد و این دولتمرارا طلب نموده در این حالت جاعه اکراد باز اتفاق نموده بر سر  
 این بنده می امدند (11) و ملازم حضره مشار الیه هراه بود که محاربه واقع شد ازین  
 دولت نواب همیون فتح واقع شد و یک قطار<sup>۷</sup> اسیر (?)<sup>۸</sup> (12) تمامی سر مخالفان بار کرده  
 بخدمت نواب حضره مشار الیه فرستاد

<sup>۹</sup> والامر اعلى

<sup>۱</sup> Ms. sic! Recte: زین الدین Anderswo garak va yaraq (vgl. W. Hinz, Der Islam 29, p. 130). <sup>۲</sup> Ms. sic! Recte: زین الدین. <sup>۳</sup> Unsichere Lesung. Vielleicht: شتر? <sup>۴</sup> اسیر? اشتهر? <sup>۵</sup> Als Fortsetzung der 12. Zeile geschrieben; bildet jedoch eine selbstständige Einheit in der unteren linken Ecke des Dokumentes.

<sup>٦</sup> (1) خود متعاقب متوجه مشارالیه شد و نواب حضره مشار اليهرا (2) به اردوی همیون طلب فرموده بودند سفارش بدینجانب فرمود که (3) ذخیره قلعه تفلیس بالتمام نموده بدان جانب رسانند (4) حسب الوجه ذخیره از اجناس و کوسفند و کاو و غیره بالتمام نموده (5) بقلعه رسانیده خود متوجه درکاه عالپناه شد زیرا که (6) چندنشان متعاقب رسید <sup>٧</sup> بورگی (?) <sup>٨</sup> تمام که متوجه شود (7) بنابران متوجه درکاه شد نشان همیون رسید که (8) در ملازمت نواب حضره کردون اقتدار معتمد القلب الاقبال جان داده (9) بدفع و رفع مخالفان قیام نمایند بعد از ان خبر رسید که باشرافه (10) جماعت هزبور و کردان به ارزنجان آمدند و بعض خانه امرارا (11) مثل حسین بیک چپنی و یوسف بیک ورساق غارت نموده (12) از ارجیس ایلغار نموده به ارزنجان رفت باافق امرا و از یمن دولت (13) نواب همیون فرار اختیار نمودند صورت و عدالت نموده بدین (14) نوعی میرسید امیدوار انکه از جهه خاطر کریم بدینجوب (15) غوررسی فرموده

تحقیق <sup>٩</sup> بضلالت نموده <sup>١٠</sup> بفرمایند که (16) بعد بر رسوای اینجانب ندارد <sup>١١</sup> و الامر الاعلى <sup>١٢</sup>

<sup>٦</sup> Von hier ab auf dem Rand geschrieben. <sup>٧</sup> Unsichere Lesung. <sup>٨</sup> Oder: بعد الت  
غیشد؟ <sup>٩</sup> Als Fortsetzung der 16. Zeile geschrieben; bildet jedoch eine selbständige Einheit.